

۷۵ درصد کارمند، ۷۵ درصد همسر و مادر جمعاً می شود ۱۵۰ درصد!

کم نیستند زنان کارمندی که از یکسری کمبودها گلایه‌مند هستند و برعکس هستند کسانی که از اشتغال یک زن در جامعه با افتخار صحبت می کنند و موفقیت او را دوچندان می دانند. شاید بتوان اسم آن را نیمه خالی یا پر لیوان گذاشت اما به هر حال در هر دو وجه ماجرا شنیدن حرف‌های زنان کارمند و اطرافیان آنان خالی از لطف نیست...

همسر و فرزند را فدای کار نکنید

آنگونه کار کنید که وقت و انرژی برای کارهای خانه داشته باشید. بسیار مراقب رابطه عاطفی تان با همسر و اعضای خانواده باشید، چه بسیار زندگی‌هایی که به دلیل اصرار زن برای کار بیرون از هم پاشیده شده است. صحبت با همکاران و گاهی درد دل کردن با آنان اگر خارج از اندازه باشد نه تنها فرصت شما را برای دور هم بودن با اعضای خانواده تلف می کند بلکه گاه نسخه پیچی‌های غلط دیگران باعث می شود تصمیمات غلطی برای ادامه مسیر در زندگی بگیرد...

هماهنگ کردن اداره و خانه، سخت ترین کار دنیاست

مادران کارمند ۲ شغل و هزار دغدغه دارند

کشتی زندگی با ۲ ناخدا غرق می شود!



محسن نصری، جامعه شناس:

دختران کارمند با غرق شدن در شغل خود مراحل بعدی زندگی را فراموش نکنند

ابوالقاسم عیسی مراد، روانشناس:

تناسب شغلی لازمه بهداشت روانی زنان کارمند است

در محضر خوبان

هفتم صفر، روز بزرگداشت سلمان فارسی مشهور به سلمان محمدی است

پیامبر (ص) اورا از خود خواند

پیامبر اعظم (ص) در حدیثی پیشگامان بهشت را معرفی نموده و فرموده اند: «من پیشگام عرب و صهیب پیشگام روم و سلمان پیشگام فارسی زنان و بلال پیشگام حبشه است»

در تاریخ از شخصیت‌هایی که با عقاید دینی شان چهره‌ای ماندگار شده اند، توصیف شده است. از جمله اصحاب و یاران آخر الزمان که همیشه جاودانه تاریخ اند. یکی از این ستاره‌های دینی، صحابی غیر عرب از سرزمین مان، ایران است. او در طلب حق سال‌ها رنج و مشقت کشید تا گمشده اش را پیدا کند. او زیباترین لحظات زندگی اش را در کنار پیامبر بودن می دانست و بعد از رحلت پیامبر (ص) نیز جان فشان ولایت علی (ع) شد. او کسی نیست جز «سلمان فارسی» که پیامبر اکرم (ص) او را از خود (ابا هببت) خواند و به «سلمان محمدی» شهرت یافت.

سلمان در خانواده‌ای زرتشتی، در روستای «جی» از توابع اصفهان به دنیا آمد. پدرش به نام بدخشان یکی از ثروتمندان روستا و کشاورز بود که نام پسرش را روزی گذاشت. سلمان با دیدن کلیسای مسیحیان و عبادت و نماز، جوانی دین مسیحیت شد و برای کشف حقیقت راهی شام شد. یکی از کشیشان به نام عموره به هنگام مرگش نشانه‌هایی از پیامبر (ص) به او داد به همین خاطر تصمیم گرفت پیامبر را پیدا کند. او خودش را به قافله عرب رساند و گاو و گوسفندانش را به آنها داد تا او را به سرزمین خود ببرند ولی آنها او را به مردی یهودی فروختند. مدتی بعد یهودی دیگری او را می‌خرد و به مدینه می‌برد. سلمان در آن شهر بنا به نشانه‌هایی که از پیامبر (ص) داشت ایشان را پیدا کرد و اسلام آورد. بعد از مسلمان شدن، پیامبر (ص) او را به مبلغ ۴۰ نهال خرما و ۴۰ قویه، از مرد یهودی خرید و آزادش کرد. سپس نامش را به سلمان به نشانه پاکی و سلامت روح او تغییر داد. روایت است سلمان اولین بار دختر عمر را خواستگاری کرد اما عمر ناراحت شد و به رسول خدا (ص) گله کرد و ماجرای خواستگاری سلمان را بیان کرد. پیامبر (ص) فرمود: «وای به حال تو! اگر سلمان به این ازدواج مایل بود، تو چرا رضایت ندادی، تا به او نزدیک شوی؟ در حالی که بهشت مشتاق ملاقات سلمان است.»



سلمان سن سال ۳۴ یا ۳۶ ه. ق در مداین مریض شد. وقتی مطمئن شد روزهای آخر زندگی اش است، به وصیت پیامبر (ص) عمل کرد و به قبرستان رفت و با سر در گان صحبت کرد. سپس از همسرش مقداری مشک طلبید و بدن خود را با آن خوش بو کرد. بعد جان به جان آفرین تسلیم کرد. مرقد مطهر او در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر بغداد در شهر مدائن قرار دارد.

خودمانی

خوشه چین

نیره ساری

آقای محترم! شما پادشاه نیستید و همسر تان هم خدمتکار شما نیست. مگر صبح با هم از خانه بیرون نمی‌روید؟ مگر خود شما از محل کارش او را سوار و سواره خرید نمی‌کنید و به خانه بر نمی‌گردید؟! در جواب می‌خواهید بگویید، شما بیشتر کار می‌کنید؟ شما دو شغله هستید؟ شما مسئولیت‌های دیگری دارید؟ قبول، اما اساس مردان هم باید از مسیرهای مختلف به زنان در امور منزل و تربیت فرزندان کمک کنند، نه اینکه بگویم دوران بزرگ کردن بچه و تمرکز بر خانه‌داری به پایان رسیده است اما امروز مادران شاغل زنان کارمند تمام تلاش خود را می‌کنند تا در هر دو وجه ماجرا موفق باشند. امروز دیگر زنان صرفاً یک همسر یا مادر خانه نشین نیستند بلکه نقش‌های مختلف را همزمان با هم ایفا می‌کنند. از یک سو تلاش برای نقش مادری و همسری و از سوی دیگر تلاش برای ایفای نقش کارمندی که هر کدام در جای خود دشواری‌هایی دارد.

زن، همان مادر و همسری است که باید وظایف و مسئولیت‌های

خود را در خانه به نحو احسن انجام دهد تا در محیط خانواده کمبودی احساس نشود، به‌ویژه اینکه کارهای خانه تمامی ندارد و حتی سخت‌تر از کار کردن در محیط بیرون است. کار در منزل نه هر صمی دارد و نه تعطیلی می‌شناسد و شما باید بخش اعظمی از ساعات روزانه خود را برای رسیدگی به امور خانه و فرزندان بگذارید.

بر این اساس کمک کردن مرد در امور خانه چه در نتیجه تغییر شرایط جامعه و چه از منظر دینی مورد پذیرش واقع شده است. کم نبودند مردان بزرگی که در امور منزل به همسران خود کمک می‌کردند، در حالیکه حتی در شرایط امروز هم نبودند که همسرانشان شاغل باشند.

نقلی از ایت‌الله حائری شیرازی رحمه‌الله علیه است که می‌گفت: «مرد باید سختی‌های کار همسر در خانه را ببیند. باید خودش را جای زن بگذارد. علی (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ زَيْحَانَةٌ، لَيْسَتْ بِقَهْرٍ مَأْتَةٌ» زن که خدمتکار نیست زن گل است. مرد وقتی در خانه کار میکند، مثل جهاد است. اگر کمک زنی طرف بشوید، خیاطی بکنید، بچه‌داری بکنید، جارو بکنید، تمام اینها عمل به وظایف شرعی است. زن هم که در خانه کار می‌کند، ثواب بزرگی به او می‌دهند. نمی‌گویند وظیفه است.»

برخی مردان با وجود داشتن همسر شغلی که به اندازه آنها درآمد دارد، در این باورند که به خاطر کار کردن در بیرون از خانه باید تمامی امور شخصی آنها در خانه توسط زن انجام شود. خطایم با تفکر این دسته از آقایان است. آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که



همان ساعت عدم حضور همسر تان در منزل و بیرون کار کردن منتج به آورده مادی می‌شود که در صورت حضور او در منزل چنین کمک خرجی وجود نخواهد داشت و این شما هستید که باید همین زمان را برای کمک خرج خانه با صرف وقت و انرژی بیشتری بگذارید.

اگر همسر شما لطف می‌کند و به‌رغم فعالیت‌هایی که بیرون منزل انجام می‌دهد، در خانه هم به امور منزل رسیدگی می‌کند لطف بزرگی در حق شما می‌کند. همسر شما به تأسی از زنان قدیمی در عین حال که سعی در پیشرفت معنوی خود و مادی زندگی اش دارد، کار کردن در خانه را جز قلمرو خود می‌داند. به قلمرو او سرزده اما با محبت وارد شوید. در واقع او خانه‌داری را بخشی از هویت خود و نشانه‌های از عشق به خانواده می‌داند که تحت هیچ شرایطی کنار نمی‌گذارد. در کنار این اصل، قطعاً باید باور داشته باشید که تجربه

بر خار پشت هر بلا خود را مزن

سورخ سوراخ آمد او از خود زدن بر خارها بی صبر بود و بی حیل، خود را بکشت او از عجل گر صبر کردی یک زمان رستی از او بدلقا بر خار پشت هر بلا خود را مزن تو هم هلا ساکن نشین وین ورد خوان جاه القضا ضاق الفضا خار پشتی بعد از آن که دم ماری را می‌گیرد خود را به شکل کرم‌های تیغ‌دار در می‌آورد اما آن مار نادان لایند برای اینکه خود را بر هاند مدام خود را بر خارهای خار پشت می‌زند و محاصل آن کوبیدن بر خارها چیست؟ «سوراخ سوراخ آمد او از خود زدن بر خارها» و در نهایت مار جان خود را از دست می‌دهد. مولانا در روایت خود از این حکایت، علت جان دادن مار را بی صبری می‌داند و در واقع از این حکایت به اصل پیام خود رجوع می‌کند که علت اینکه ما در بازی پر حواسی فرعیات به اصل زندگی نمی‌رسیم این است که فضای صبر، سکون و آرامش را از دست می‌دهیم و هیجان زده رفتار می‌کنیم. رفتار مسار نمونه‌ای از یک رفتار هیجان زده به جای رفتار آگاهانه است. همچنان که مولانا در جای دیگری از مثنوی فضا سازی مشابهی در این باره دارد:

زنان شاغل، مردان خانه‌دار و کلیشه‌هایی که دیگر جواب نمی‌دهد!

ثابت کرده زنان استانداردهای بالاتری نسبت به همسر خود برای خانه‌داری دارند که همین باعث می‌شود فداکاری بیشتری در انجام امور منزل داشته باشند تا شما در خانه از هر بعدی احساس آرامش داشته باشید، اما این به معنای کنار کشیدن شما نیست! آقای محترم! به همسرت محبت کن! به او تا می‌توانی کمک کن که تنها در این صورت پادشاه خانه خودت می‌شوی. البته محبت صرفاً خرید گل و گفتن الفاظ محبت‌آمیز نیست. گاهی در شرایط سخت، کمک به امور خانه، همان محبت قابل انتظار از نسوی خانم‌هاست. بی تردید ذات محبت قدرت آفرین است و پایه‌های روابط شما را مستحکم‌تر می‌کند.

ایا اگر دغدغه‌های خانه‌داری او نیستید لاقبل بار او نباشید و سطح توقع خود را پایین بیاورید. تا به حال خود را جای او گذاشتید تا بداند شبی خسته از راه می‌رسد و شاید توان غذا درست کردن نداشته باشد. شاید گاهی خستگی مگر باعث شود فضای خانه مطلوبیت همیشگی را نداشته باشد؟! شاید اصلاً خستگی روحی ناشی از یک بگومگوی کاری باعث شده که او مثل همیشه نباشد و ترجیح دهد زودتر استراحت کند. این موضوع همه ابعاد را در برمی‌گیرد. از دعوت میهمان به منزل تا میهمانی رفتن و حتی سرویس دادن در منزل که همه و همه می‌تواند تحت الشعاع شغل کارمندی او به حاشیه برود. پس این شما هستید که همواره و در هر حال و شرایطی باید بداند او یکی شیبه شماسنت و در کنار رفتار کردن - نه آسایش بیشتر شما و فرزندانتان انجام می‌دهد، همه توان خود را برای انظم و آرامش منزل هم می‌گذارد.

کس به زیر دم خر خاری نهد خر نداند دفع آن، برمی‌جهد برجهد، وان خار محکم ترزند عاقلی باید که خاری بر کند خرز بهر دفع خار از سوز و درد جفته می‌انداخت، صد جا زخم کرد پیام مولانا در این غزل این است که مسئله با سکون، آرامش و آگاهی حل می‌شود نه برجهیدن و هیجان زده شدن و بی‌قراری. وقتی مسن از ابزار هیجان، خشم و گلايه برای حل مسئله استفاده می‌کنم نه تنها گره حل نمی‌شود بلکه گره گورتر و زخم عمیق‌تر می‌شود، درست مثل تصویری که مولانا در بالا می‌آفریند. کسی خساری را زیر دم خر می‌گذارد و خر برای اینکه خود را از این وضعیت رها کند به برجهیدن متوسل می‌شود اما برجهیدن - هیجان زده رفتار کردن - نه تنها مسئله را حل نمی‌کند بلکه آن زخم را عمیق‌تر می‌کند. فرمود رب العالمین با صابرانم همنشین ای همنشین صابران افروغ علینا صبرنا

تصویر منسوخ به سلمان فارسی